

درس هفتم: دوران مرجعیت

هدف‌های آموزشی

- ۱- آشنایی با ابعاد و ریشه‌های مرجعیت در مذهب شیعه
- ۲- آشنایی با زمینه‌های علمی برجسته امام خمینی جهت تصدی منصب مرجعیت
- ۳- آشنایی با وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران و شیعیان پس از رحلت آیت‌الله بروجردی

طبق حدیث شریف نبوی، عالمان ربانی، وارثان علوم و شئون پیامبران Γ می‌باشند و بر اساس مکتوب مبارک امام غائب و موعود امم حضرت مهدی منتظر (عج) راویان احادیث معصومین و حاملان علوم آنها واسطه میان حجج الهی و مردمان می‌باشند. بر این اساس به‌ویژه در دوران غیبت امام عصر U ، عالمان مکتب اهل بیت رسالت سنگین تعلیم و تربیت پیروان اهل بیت را بر عهده داشته و با اجتهاد و جهاد طاقت‌فرسای خود وظیفه نیابت و هدایت امت را انجام می‌دهند.

منصب «مرجعیت» در میان پیروان اهل بیت تنها به عرصه علمی محدود نمی‌باشد و چنین نیست که شیعیان فقط در تعلیم معارف دینی و دانستن حلال و حرام محمدی ﷺ به عالمان ربانی و فقیهان وارسته مراجعه کنند؛ بلکه عالمان متقی و مجاهد، هم مرجع علوم دینی بودند و هم ملجأ مردمان در امور اجتماعی آنان می‌باشند.

فقه‌های شیعه تنها رسالت خود را بیان حلال و حرام شرعی نمی‌دانستند، بلکه

تلاش‌های مشهودی برای زدودن فقر و تنگدستی و کوتاه کردن دست ظلم و تعدی ظالمان و نیز مقابله با تجاوز و تعدی اجانب و سلطه‌گران در کارنامه آنان به وضوح قابل مشاهده است.

با توجه به مراجعه عموم پیروان اهل بیت به عالمان این مکتب و مذهب، «مرجعیت» بار علمی و اجتماعی را توأمان دارا می‌باشد. فقهای مکتب اهل بیت و علمای مذهب شیعه علاوه بر پاسخگوئی به نیازها و پرسش‌های دینی شیعیان، نسبت به امور معشیت و مسائل جاری زندگی آنها نیز احساس وظیفه می‌کردند و در این فضا و فرایند، منصب «مرجعیت» به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار جامعه شیعی؛ به‌ویژه در دو - سه قرن اخیر در مقیاس گسترده در عرصه روابط کشورها و موضوعات بین‌المللی مؤثر بوده است.

با هجرت حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم و احیای مجدد حوزه علمیه قم، مرجعیت ایشان آثار مذهبی و اجتماعی فراوانی داشت، تا اینکه فقیه بزرگ حضرت آیت‌الله بروجردی پس از رحلت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به مدت پانزده سال مرجع مطلق و مقتدر و با نفوذ شیعیان در جهان بود و موفق به اقدامات بزرگ و خدمات ارزشمندی در داخل ایران و جای جای جهان شد.

با رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ماه ۱۳۴۰، در نجف و قم و بعضی از شهرها مانند مشهد؛ مراجعی وارد این عرصه شدند و به تدریج مسئولیت‌های این منصب را برعهده گرفتند؛ چه مسئولیت حفظ و اداره حوزه‌های علمیه که بقاء و استمرار مذهب در میان مردمان به وجود عالمان مذهبی وابسته است؛ و چه مسئولیت‌های اجتماعی، که با مسئولیت‌شناسی عالمان مجاهد، مردم احساس می‌کنند ملجأ و پناهگاهی در برابر ظلم و تعدی ظالمان و سلطه‌گران دارند.

امام خمینی(س) که از اساتید بزرگی دروس حوزوی را فراگرفته بود و به‌ویژه شاگردی ده ساله درس‌های فقه و اصول آیت‌الله حائری و استفاده شش - هفت ساله از درس‌های حضرت آیت‌الله بروجردی را در کارنامه خود داشت و پس از آن دوران خود سالیانی به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشت و از سال ۱۳۲۳ و هم زمان با استقرار آیت‌الله بروجردی در قم؛ درس‌های خارج خود را آغاز کرد و به‌ویژه در دهه سی پس از آن فقیه بزرگ، پرجمعیت‌ترین درس خارج را در حوزه علمیه قم داشت و صدها طلبه فاضل و درسخوان از محضر او بهره می‌بردند، از نگاه اهل خبره شایستگی کامل برای بر عهده گرفتن مرجعیت را دارا بود، او علاوه بر تحصیل و تدریس فقه و اصول و درس‌های فقه و اجتهاد، تا سال ۱۳۴۰ش چندین جلد کتاب فقه استدلالی و اصول فقه تحقیقی نوشته بود، چنانکه به متون فقهی متداول حاشیه و تعلیقه نیز نوشته بود و مشخصاً بر کتاب وسیله النجاة سید اصفهانی و العروة الوثقی سید یزدی تعلیقه نوشته بود؛ اما در مقابل اصرار بعضی از شاگردان و ارادتمندان برای ورود جدی به عرصه مرجعیت قدمی برنداشت.

در این میان حوادث سیاسی - اجتماعی ایران و پیاده‌سازی برنامه‌هایی از سوی رژیم محمدرضا شاه که اعتراضات علما و حوزه‌ها و مردم مسلمان را در پی داشت، برجستگی و بینش بلند و آگاهی و توانایی بالای حضرت امام را برای عهده‌داری وظیفه مرجعیت برای عموم نیز روشن ساخت.

مرحوم آیت‌الله بدلا درباره جایگاه علمی درس امام خمینی می‌گوید:

حلقه درس امام خمینی، اولین و بهترین درسی بود که بعد از درس آقای بروجردی در حوزه علمیه قم تشکیل می‌شد. حتی در اواخر حیات مرحوم آقای بروجردی، درس آن مرحوم حالت تشریفاتی به خود گرفته بود، و لذا

درسی که از بُعد علمی در مرتبه بالایی بود و استفاده کاملی از آن می‌شد، درس حضرت امام بود.^۱

علاوه بر جنبه علمی، واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقدامات خلاف دین رژیم پهلوی در قانع کردن امام خمینی برای اظهار مرجعیت و بر عهده گرفتن این مسئولیت، تأثیر زیادی داشت؛ چراکه رژیم وابسته و سرسپرده شاه که پیشتر از آن تاریخ، برنامه‌هایی برای به اصطلاح مدرن‌سازی کشور در نظر داشت، حالا دیگر با رحلت آیت‌الله بروجردی، خود را بی‌مانع و بدون مخالف می‌دید و به همین خاطر علاقه خود را برای استقرار مرجعیت شیعه در نجف را کتمان نمی‌کرد. امام خمینی با نگاه نافذ و نبوغ سرشاری که داشت دریافته بود که برنامه‌هایی در حال پیاده‌سازی است. در این زمینه آورده است:

از زمان مرحوم آقای بروجردی این نقشه را داشته‌اند، متتها با بودن ایشان می‌دیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از اینکه ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی؛ از همان اول، اینها شروع کردند به اسم احترام از مرکزی و کوبیدن این مرکز را... نه از باب اینکه به نجف علاقه داشتند [بلکه] از باب اینکه قم را نمی‌خواستند، قم... نزدیک بود به اینها، مفسد را زود ادراک می‌کرد و کارهای اینها زود برش منکشف می‌شد. اینها قم را نمی‌خواستند متتها نمی‌توانستند به صراحت بگویند قم نه؛ می‌گفتند نجف آره، مشهد آره!^۲

گرچه پس از ارتحال فقیه بزرگ و مرجع جهانی آیت‌الله بروجردی، در نجف و قم و مشهد مراجع متعددی مطرح شدند و امام خمینی یکی از مراجع بزرگ در

۱. هفتاد سال خاطره، ص ۲۲۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰۸.

قم محسوب می‌شد؛ ولی اقدامات رژی شاه و مقابله مراجع و روحانیون سراسر کشور و مؤمنان همراه با سه رخداد اجتماعی - سیاسی: ۱. تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی ۲. لوایح ششگانه - انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت ۳. تصویب لایحه کاپیتولاسیون؛ جایگاه و توانایی‌های ایشان را برای عموم مردم مسلم ساخت.

امام خمینی به هنگام جلسه اعظم و فقهای بزرگ حوزه علمیه قم پس از رحلت آیت‌الله بروجردی سهم تدریس و تربیت شاگردان را برای خود خواست و در دادن شهریه به طلاب مشارکت نکرد؛ ولی به درخواست و اصرار تعدادی از شاگردان و ارادتمندان، بر اساس تعلیقاتشان بر «وسيلة النجاة» و «العروة الوثقی»؛ مجموعه فتاوی مورد نیاز عموم در رساله‌ای با نام «نجات‌العباد» تدوین و در اختیار عموم قرار گرفت. چنانکه مناسک حجی هم برای استفاده حجاج تهیه و عرضه گردید و خلاصه «نجات‌العباد» با نام «زبدة الاحکام» در اختیار مقلدین ایشان قرار گرفت و شخصیت‌های شناخته شده و بزرگی مانند مرحوم آیت‌الله منتظری مروج مرجعیت ایشان بوده‌اند.

خلاصه درس هفتم:

منصب مرجعیت در میان شیعیان تنها در جنبه علمی خلاصه نمی‌شود، بلکه بُعد علمی و بُعد اجتماعی - سیاسی با هم شخصیت مرجع را شکل می‌دهد. امام خمینی از سرمایه علمی برجسته و شناخت دقیق اوضاع سیاسی - اجتماعی جهت تصدی منصب و مسئولیت مرجعیت، برخوردار بوده است. تحولات و اقدامات رژیم پهلوی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در شکوفا شدن مرجعیت امام خمینی نقش زیادی داشته است.